

مسئولیت مدنی ناشی از ترس (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و نظام حقوق عرفی)

مرتضی وصالی ناصح^۱، * محمدباقر یارساپور^۲

۱. گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۹

دریافت: ۹۳/۰۹/۱۰

چکیده

اگرچه ورود زیان عمدتاً با افعال مادی (فیزیکی) محقق می‌شود، لکن تحقق ضمان، فارغ از نوع فعل زیانبار از حیث مادی یا غیرمادی بودن است. فعل زیانبار در شکل غیرمادی نیز می‌تواند موجب تحقق زیان و ضمان گردد. «ترس» به‌عنوان یکی از افعال غیرمادی که در فقه و حقوق منشأ اثر است، در قلمرو مسئولیت مدنی نیز چنانچه منتج به زیان گردد، با احراز رابطه سببیت بین زیان و فعل ترس‌آفرین، موجب ضمان خواهد بود. مسئولیت مدنی ناشی از ترس، شامل «زیان ناشی از ترسیدن» و «زیان ناشی از ترساندن» است. در هر دو حالت، ترس می‌تواند هم به‌عنوان «ضرر» و هم به‌عنوان «سبب ورود ضرر» از موجبات ضمان به شمار آید.

واژگان کلیدی: ترس، ترسیدن، ترساندن، فعل ترس‌آفرین، اخافه، ضمان اخافه.



۱. مقدمه

ورود زیان عمدتاً با افعال مادی (فیزیکی) بر جان یا مال دیگری محقق می‌گردد. مطالبه خسارت نیز صرفاً با استناد زیان به فعل زیانبار امکان‌پذیر است. بسیاری از افعال آدمی اگرچه صورت مادی و فیزیکی ندارند، لکن دارای اثر خارجی و بیرونی هستند. به‌عنوان مثال فریاد زدن بر سر دیگری یکی از افعال آدمی است که کم‌ترین اثر آن در حالت عادی، ترس یا رنجش خاطر است. در این‌جا اگرچه فریادزننده هیچ نوع تماس یا برخورد فیزیکی با جسم یا مال دیگری ندارد، اما فریاد او منجر به واکنش ناخواسته و نامطلوبی می‌شود که از آن با عنوان «ترس» یاد می‌کنیم. این واکنش که عموماً منفعلانه و ناگهانی است، می‌تواند به وقوع زیان منتج گردد. حال پرسش اصلی این است که آیا زیان ناشی از ترس (و به طور کلی ناشی از افعال غیرمادی) قابل جبران است؟

خواستگاه پرسش فوق به تردید سنتی اقلیتی از فقها و حقوقدانان در امکان استناد زیان به اعمال غیرمادی (از جمله ترس) بوده است. نوشتار حاضر، مسئولیت مدنی ناشی از ترس را در دو حالت «ترسیدن» و «ترساندن» و با رویکرد تطبیقی در فقه، حقوق ایران و حقوق عرفی، مورد مطالعه قرار می‌دهد. به همین منظور، در بخش نخست، مفاهیم، مبانی و قلمرو موضوع، سپس در بخش دوم، صور مختلف ورود زیان و تحقق ضمان ناشی از ترس، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. جایگاه فقهی حقوقی ترس در قلمرو مسئولیت مدنی

۲-۱. مفهوم‌شناسی ترس

«ترس» به‌عنوان یکی از افعال آدمی، موضوع علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی است و تبیین مفهوم آن به عهده علوم مربوط است. مسلماً از منظر این علوم، ترس تعاریف و انواع مختلفی دارد که این نوشتار عهده‌دار بیان آن‌ها نیست. نوشتار

حاضر، ترس را در مفهوم یک واکنش احساسی و معمولاً ناخودآگاه و ناخوشایند که انسان در مواجهه با خطر از خود بروز می‌دهد، به کار می‌برد. دو ویژگی «ناگهانی بودن» و «زیانبار بودن» در کنار این مفهوم از ترس، آن را به بحث ضمان در حقوق مرتبط می‌سازد.

۱-۱-۲. ناگهانی بودن ترس

منظور از «ترس ناگهانی» ترسی است که غیرمنتظره و غیر قابل پیش‌بینی است و موجب وحشت هر انسان متعارفی شده، او را ناخودآگاه در حالت تدافعی قرار می‌دهد. ایجاد ترس ناگهانی، مستلزم شکل و روش خاصی نیست و لزومی ندارد فعلی که موجب ترس شده نوعاً ترسناک باشد. ممکن است یک عمل عادی (مثل بوق زدن) در اوضاع و احوال خاص (مثلاً در شب یا در مکانی خلوت) موجب وحشت گردد.

ترس ناگهانی، در زبان فارسی با واژه «هول»، «خوف» یا «وحشت» کردن هم شناخته می‌شود. معادل این مفهوم در عربی «خوف» و در انگلیسی «Fright» است. یادآوری می‌شود واژه‌های «ارعب»، «افزاع» و «ارهاب» در عربی و «Fear» ، «Scare»، «Panic» در انگلیسی نیز در معنای ترس استعمال می‌گردند؛ لکن در مفهوم ترس ناگهانی موضوع ضمان رایج نیستند.

۲-۱-۲. زیانبار بودن ترس

از منظر زیان و ضمان می‌توان ترس را به دو نوع «زیانبار» و «غیر زیانبار» تقسیم کرد. منظور از ترس غیرزیانبار، ترسی است که اثر آن صرفاً یک ناخوشایندی یا ناراحتی موقت و لحظه‌ای است. این نوع ترس که آن را «ترس صرف» یا «صرف ترس» نیز می‌نامیم، به دلیل فقدان ضمانت اجرا، از حوزه حقوق خارج است. منظور از ترس زیانبار، ترسی است که علاوه بر دارا بودن ویژگی ترس نوع اول، مستقیم یا غیر مستقیم سبب ورود زیان نیز می‌گردد. منظور از زیان مستقیم، زبانی است که به شکل ضایعه روحی یا جسمی، مستقیماً و مستقلاً اثرگذار است



(مثل از هوش رفتن، سگته کردن و حتی مردن). حالت غیرمستقیم زیان ناشی از ترس، ناظر به ورود زیان پس از واکنش ناخودآگاه به عمل ترس‌آفرین است. مثل کسی که به سبب فعل ترسناک دیگری دچار وحشت شده‌بی‌اختیار فرار می‌کند و در حین فرار، به خود یا دیگری زیان برساند.

۲-۲. آثار ترس در فقه و حقوق

بررسی تفصیلی اثر خوف در فقه و حقوق، خارج از حوصله این نوشتار است. ولی اجمالاً یادآوری می‌شود، ترس در فقه و حقوق، منشأ آثار بوده، موجب تغییر در احکام وضعی و تکلیفی (اعم از عبادی و معاملات) می‌گردد. مثلاً خوف تلف جان یا مال، موجب جواز قطع نماز واجب یا تیمم به جای وضو است [۱، ص ۲۴۳] یا این‌که احتمال خوف تلف اموال در نزد محجورین، موجب جواز اخذ اموال از آن‌ها به منظور حفظ و نگهداری است [۲، ج ۱، ص ۶۰۶]. در عقد ودیعه، خروج از اذن مودع از شیوه نگهداری مال ودعی به سبب خوف تلف، موجب رفع ضمان تعدی و تفریط می‌گردد [۳، ج ۳، ص ۱۹۵؛ ۴، ص ۱۴۹].

واجد آثار بودن خوف در حقوق ایران نیز قابل تأیید است. به‌عنوان مثال، در بحث امکان بیع وقف، خوف خرابی مال موقوفه، موجب جواز بیع وقف خواهد بود^۱ و در نکاح، خوف ضرر جانی یا مالی یا شرافتی زوجه از زندگی با زوج، موجب ایجاد حق اختیار مسکن علیحده برای زوجه می‌گردد.^۲

۲-۳. مبانی نظری مسئولیت مدنی ناشی از ترس

۱. ماده ۸۸ ق.م: «بیع وقف در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد، در صورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود».

۲. ماده ۱۱۱۵ ق.م: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند».

در فقه، مسؤلیت مدنی ناشی از ترس، ذیل عنوان «ضمان اخافه»^۱ و در کتاب دیات، مورد توجه قرار گرفته است. فقها با استناد به صحیحه حلبی که می‌فرماید: «اگر کسی دیگری را که بر روی دیوار ایستاده است بترساند یا حیوان او را رم دهد و در اثر این امورات فرد بیفتد و در اثر سقوط بمیرد یا مصدوم گردد، ترساننده ضامن دیه وی خواهد بود»، زیان و ضمان از طریق اخافه را پذیرفته‌اند [۵، ص ۱۸۸].

در حقوق ایران، قوانین مدنی و مسؤلیت مدنی، اشاره مستقیمی به ضمان ناشی از ترس ندارند، لکن مبنای قانونی آن در قانون مجازات پیش‌بینی شده است. قانون مجازات (مصوب ۱۳۹۲) در بحث دیات، مرگ یا ایراد صدمات ناشی از ترس را از موجبات ضمان به شمار آورده است. در حال حاضر مواد ۴۹۹ و ۵۰۱ قانون مذکور، احکام ناظر بر ضمان اخافه را پیش‌بینی کرده‌اند. طبق ماده ۴۹۹: «هر گاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسؤول است». ماده ۵۰۱ نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد، مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد، حسب مورد، به قصاص یا دیه محکوم می‌شود».^۲ مشاهده می‌گردد که دو ماده مذکور تحقق زیان و ضمان ناشی از ترس را در مورد قتل و سایر صدمات جسمی مورد نظر قرار داده، اگرچه از زیان مالی سخنی به میان نیامده، لکن دلیلی برای مشمول نشدن آن در قلمرو این مواد وجود ندارد.

در حقوق عرفی، خسارات ناشی از اعمال غیرمادی که تحت عنوان «مسؤولیت بدون برخورد»^۳ شناخته می‌شود، قابل مطالبه هستند. این نوع مسؤولیت که پذیرش و تثبیت آن در نظام‌های ملی حقوق عرفی از سابقه چندان بر خوردار نیست، در حال حاضر، در

۱. اخافه از ریشه «خوف» و به معنای ترساندن و ایجاد رعب و وحشت کردن است.

۲. این دو ماده با انجام اصلاحاتی، جانشین مواد ۳۲۵ و ۳۲۶ قانون مجازات (مصوب ۱۳۷۰) شده‌اند.

۳. liability without impact



«رویه قضایی»^۱ و «حقوق موضوعه»^۲ تمام کشورهای حوزه کامن‌لا مورد پذیرش قرار گرفته است [۶، ص ۵۴] در حقوق کامن‌لا، «ترساندن عمدی»^۳، از مصادیق "assault" به معنای «حالت تهدید و تهاجم» است که به هر نوع اقدام عمدی و ارادی که سبب می‌شود یک انسان متعارف به طور مستقیم یا غیرمستقیم درحالت تدافعی و پیشگیرانه ناشی از ترس قریب‌الوقوع از صدمات جسمانی قرارگیرد، اطلاق می‌گردد [۷، ص ۱۲۲].

حالت تهدید و تهاجم، هم یکی از انواع شبه‌جرم‌های علیه اشخاص و از مصادیق «تعدی به شخص»^۴ و هم یکی از جرائم علیه اشخاص محسوب می‌گردد.^۵ هنگامی که عمل ترس‌آفرین به قصد ترساندن باشد و فرد هم بترسد، به‌عنوان «حالت تهدید و تهاجم مجرمانه»^۶ شناخته می‌شود؛ ولی چنانچه فقط قصد فعل وجود داشته باشد (نه قصد ترساندن) و منجر به ورود زیان گردد، آنگاه در شمار خطاهای مدنی است و از آن به‌عنوان «حالت تهدید و تهاجم خطایی»^۷ یاد می‌شود [۸، ص ۵۴۸].

از منظر حقوق جزا، بروز ترس ناگهانی برای تحقق جرم «حالت تهدید و تهاجم» کافی دانسته شده، لکن از منظر حقوق شبه‌جرم‌ها، مطالبه جبران خسارت ناشی از «حالت تهدید و تهاجم»، مستلزم ورود زیان است؛ بنابراین، ترس صرفی که زیانی را به بار نیاورد، قابلیت طرح دعوا نیز ندارد [۹، ص ۱۲۸؛ ۱۰، ص ۱۳۲].

۲-۴- نقش ترس در تحقق زیان و ضمان

۲-۴-۱. ترس به‌عنوان ضرر

۱. precedent law

۲. statute law

۳. intentional frightening

۴. trespass to the person

۵. به‌عنوان نمونه در حقوق کانادا «حالت تهدید و تهاجم» در قانون مجازات کانادا (ماده ۲۶۵) به‌عنوان یکی از جرائم علیه اشخاص و در قانون مسئولیت مدنی (ماده ۱۳) به‌عنوان یکی از شبه‌جرم‌ها شناخته می‌شود.

۶. criminal assault

۷. tortuous assault

در این‌جا پرسش اصلی این است که آیا آنچه به صورت واکنش ناخودآگاه و ناخوشایند در فرد اتفاق می‌افتد و ما آن را ترس می‌نامیم، می‌تواند از مصادیق «ضرر» محسوب گردد؟ مطالعه متون فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که ترس نوع اول (ترس صرف) به خاطر فقدان ضمان اجرا از دایره حقوق خارج است و در قلمرو اخلاق قرار می‌گیرد. در فقه، ایجاد ترس صرف دارای حکم وضعی نیست، لکن در نصوص فقهی و دینی ترساندن بدون وجه دیگری، از جمله حقوق الناس است که اگر عمدی باشد حرام و چنانچه سهوی باشد مستلزم عذرخواهی و طلب حلالیت [۱، ص ۲۴۱]. در نظر برخی، حتی ترساننده مستحق تعزیر و گاهی ترس موجب ثبوت دیه و قصاص است [۱۱، ص ۵۶۷].

در نتیجه می‌توان گفت که ترس صرف در فقه، مشمول تعریف ضرر، از نوع معنوی آن می‌گردد. این قسم از ضرر در زبان فقها، اضرار به «عرض» است و شامل تمام اعمالی می‌شود که موجب نارضایتی فرد باشد. شاید کامل‌ترین تعریف از ضرر را بتوان در کلام میرفتاح مراغه‌ای یافت که با تعبیر «مما لا یرضی بظهوره» از ضرر، هر فعلی را که موجب تحقیر، شرمندگی یا بی‌احترامی دیگری گردد، ولو این‌که موقت و زود گذر باشد، نوعی «اضرار به عرض» و «اسقاط احترام» می‌داند؛ یعنی هر چیزی که موجب نارضایتی انسان باشد، «هتک عرض» محسوب می‌شود [۱۲، ص ۳۰۹].

در حقوق ایران، ترس صرفی که از نظر پزشکی، نه خود ضایعه روحی و روانی محسوب می‌شود و نه در آینده منجر به ضایعه‌ای خواهد شد، از مصادیق ضرر معنوی است، زیرا ترساندن فرد، بدون رضایت او صورت گرفته و اگر موجب رنجش خاطر شده باشد، می‌تواند نوع خفیفی از لطمه به احساس و روان محسوب گردد؛ لکن با توجه به عدم امکان ارزیابی و تقویم، غیر قابل جبران خواهد ماند.

در حقوق عرفی نیز ترسی که صرفاً موجب یک ناخوشایندی و ناراحتی زودگذر باشد، قابلیت طرح دعوای خسارت ندارد؛^۱ لکن ترساندن عمدی دیگری، ولو به زیان

۱. به‌عنوان مثال ماده ۷ قانون مجازات کانادا (مصوب ۲۰۱۴) مقرر می‌دارد: «ضررهای روحی ناشی از ترس شامل واکنش‌های احساسی معمولی مثل افسردگی، ناراحتی و عصبانیت نیست.»



هم منجرنگردد، چنانچه در اوضاع و احوالی باشد که هر انسان متعارفی را در آن وضعیت، وادار به واکنش دفاعی برای جلوگیری از ضرر قریب‌الوقوع می‌کند، دارای عنوان مجرمانه و قابل مجازات است [۱۳؛ ۱۴]. ایجاد امنیت روانی و کاهش اعمال خشنوت‌آمیز در جامعه از دلایلی است که برای فلسفه مجازات رفتارهای ترسناک بیان گردیده است [۱۰، ص ۱۶۸].

بنا بر آنچه گفته شد، ترسی که زیانی به دنبال ندارد، اگرچه از منظر فقه و حقوق ضرر محسوب می‌شود، لکن به خاطر فقدان ضمانت اجرا، قابل مطالبه خسارت نیست؛ اما چنانچه واکنش فیزیولوژیک فرد در قبال موقعیت ترسناک، تبدیل به یک ضایعه روحی یا جسمی - که از نظر پزشکی به‌عنوان بیماری شناخته می‌شود - گردد، تردیدی در قابلیت جبران خسارت آن وجود نخواهد داشت.

۲-۴-۲- ترس به‌عنوان سبب ورود ضرر

گاهی مواقع، عمل ترس‌آفرین مستقیماً زیانبار نیست، بلکه سبب ورود زیان را فراهم می‌کند. در این موارد، ترس ابتدا منجر به ضایعه‌ای نمی‌گردد، لکن سبب واکنش ناگهانی می‌شود که متعاقب آن زیان رخ می‌دهد. حال این پرسش مطرح است که آیا اصولاً «ترس» می‌تواند از مصادیق اسباب بروز خسارت باشد؛ البته طرح این پرسش، ریشه در یک بحث کلی در خصوص تحقق یا عدم تحقق خسارت از طریق اعمال غیرمادی دارد.^۱ خواستگاه این بحث به تردید سنتی فقها و حقوقدانان در تحقق زیان از طریق اسباب غیرمادی باز می‌گردد.

شاید علت تردید برخی از فقها در پذیرش ضمان با افعال زیانبار غیرمادی، تأثیرپذیری ایشان از نظری است که گویی موجبات ضمان را منحصر در اسباب شرعی و اسباب مورد اجماع فقها می‌داند [۱۱، ج ۳۷، ص ۷۰]؛ در حالی که رویکرد غالب در فقه اسباب اتلاف را عرفی و عقلی - و نه تعبیدی - می‌داند و از همین رو،

۱. منظور از اعمال مادی، افعالی است که بر جسم اعمال می‌شوند و لزوماً با تماس و برخورد فیزیکی همراه است و منظور از اعمال غیرمادی، افعالی است که به نوعی بر روح و روان (عقل و اراده) فرد تأثیر گذاشته، او را وادار به واکنش می‌کنند.

فقها اتلاف از طریق عوامل غیرمادی را پذیرفته‌اند. بحث‌های مفصلی درخصوص «مرگ ناشی از صیحه»، تحت عنوان «اخافه بالصیاح» در آثار فقهی قابل مشاهده است [۱۵، ج ۱۵، ص ۳۱۵]. اگرچه ایشان عمدتاً بر اخافه با صیحه تمرکز داشته‌اند، لکن این امر دلالت به محدود شدن تحقق ترس و ضمان آن از طریق صیحه نیست. عموم ادله ضمان، شامل سایر انواع و اسباب غیرمادی اخافه نیز می‌گردد [۱۶، ج ۱۰، ص ۲۷۸].

در حقوق ایران نیز دلیلی برای مخالفت با ضمان‌آور بودن افعال غیرمادی مشاهده نمی‌گردد. طبق ماده یک قانون مسؤلیت مدنی ایران، فعل زیانبار به هر شکل واقع شود، اعم از این‌که مادی یا غیرمادی باشد، چنانچه موجب زیان شود مسؤلیت‌آور تلقی می‌شود. آنچه در تحقق ضمان نقش اول را ایفا می‌کند، استناد عرفی زیان به فعل زیانبار است.

در حقوق کامن‌لا، مسؤلیت ناشی از اعمال غیرمادی، تحت عنوان «مسؤلیت بدون برخورد»^۱ شناخته می‌شود. خواستگاه پذیرش این نوع مسؤلیت، محاکم قرن ۱۹ انگلستان و آمریکا بوده‌اند که اولین دعاوی مطالبه خسارت ناشی از ترس را پذیرفته‌اند. مسؤلیت بدون تماس پس از به رسمیت شناخته شدن و تثبیت در حقوق انگلستان، تحت عنوان یک «قاعده مترقی انگلیسی»^۲ به تدریج به آمریکا و سپس به تمام کشورهای حوزه کامن‌لا وارد شده است.^۳

در انگلستان تا پیش از دعوی «خانم بل علیه شرکت راه‌آهن شمال» (۱۸۹۰)^۴ که به صدور اولین رأی جبران خسارت ناشی از ترس انجامید، قضات انگلیسی تمایلی به پذیرش این نوع دعاوی نداشته‌اند. در واقع صدور این رأی سرآغاز تأسیس قاعده «مسؤلیت بدون برخورد» در حقوق عرفی به شمار می‌آید [۱۷، ص ۷]. پس از انگلستان،

1. liability without impact

۲. the english liberal rule of liability without impact

۳. ضمان اخافه چندین قرن قبل در حقوق اسلام مورد پذیرش و به تفصیل مورد بحث فقها قرار گرفته است.

۴. در دعوی مذکور، خانم بل، مسافر یکی از واگن‌های شرکت راه‌آهن شمالی انگلستان، به خاطر شدت گرفتن ناگهانی سرعت قطار در یک سرازیری، دچار وحشت شد و شوک شدیدی به وی وارد آمد که طی آن دچار روان‌پریشی گردد.



محاكم ایالات متحده آمریکا دكترین «مسؤولیت بدون برخورد» را پذیرفته، به اختلاف طولانی صلاحیت‌های قضایی ایالتی در پذیرش یا عدم پذیرش دعاوی جبران خسارات ناشی از اعمال غیرمادی پایان دادند [۱۸، ص ۵۵].

در ایالات متحده، دعاوی «باتلا علیه مقامات ایالت نیویورک»^۱ در سال ۱۹۶۱، منجر به صدور اولین حکم جبران خسارت ناشی از ترس گردید [۱۷، ص ۵۶]. تا پیش از آن، تمام دعاوی جبران خسارت ناشی از ترس که تحت عنوان «Fright Cases» شناخته می‌شدند، مورد پذیرش محاكم قرار نمی‌گرفتند؛ لکن در حال حاضر، این خسارات که تحت عنوان «صدمات جسمانی بدون تماس»^۲ شناخته می‌شوند، در قالب «خسارت‌های تبعی»^۳ قابل مطالبه هستند [۲۰، ص ۱۸۹؛ ۲۱، ص ۲۵۲].

۳. صور مختلف تحقق مسؤولیت مدنی ناشی از ترس

۳-۱. مسؤولیت مدنی زیان ناشی از ترسیدن

منظور از ترسیدن، ناظر به مواقعی است که فردی از فعل دیگری، دچار ترس ناگهانی شده، نتیجه واکنش او، سبب بروز خسارت به خودش یا دیگری می‌گردد. در این‌جا فاعل عمل ترس‌آفرین، قصد ترساندن شخص یا اشخاص معینی را ندارد، لکن عمل او به هر دلیلی دچار ترس منجر به زیان در دیگری می‌گردد.

۳-۱-۱. ترسیدن به سبب فعل متعارف دیگری: در مواردی که فرد به سبب ترسیدن از فعل متعارف دیگری موجب بروز زیان می‌گردد، در حالی که کسی قصد ترساندن او یا هر شخص دیگری را نداشته است، مسؤولیت جبران خسارت به عهده خود او است. زیان ناشی از ترسیدن در این‌جا یا زیان مستقیم به خود فرد ترسیده

۱. در دعاوی مذکور، خواهان با فرزند خود سوار تله‌سیژ کوهستان بلیر می‌شوند. متصدی مربوط فراموش می‌کند که کمربند ایمنی فرزند خواهان را محکم کند. در نتیجه، در طول مسیر وی دچار وحشت جنون‌آمیزی می‌شود که متعاقباً ضایعه‌های روحی و جسمی را نیز به دنبال دارد.

2. untouched physically injuries

۳. خسارت‌های تبعی (consequential damages) آن دسته از زیان‌هایی است که مستقیم یا فوری از فعل زیانبار حاصل نمی‌شوند، بلکه نتیجه غیرمستقیم آن فعل هستند.

است (مثل شوک عصبی یا ایست قلبی) و یا زیان غیرمستقیم به دیگری (مثل کسی که از شنیدن صدای ناگهانی رعد و برق، بی‌اختیار به لباس دیگری چنگ بزند یا موجب آسیب جسمانی به وی گردد). در هر دو حالت، با فرض متعارف بودن رفتار فاعل ترس‌آفرین، ضمان بر عهده فرد ترسیده خواهد بود؛ به عبارت دیگر، اگر فعل ترس‌آفرین، نوعاً زیانبار یا ترسناک نباشد و انجام آن نیز با تعدی و تفریط (تقصیر) همراه نباشد، ضمانی را هم در پی نخواهد داشت؛ مثل کسی که در یک مکان آرام با شنیدن صدای زنگ، بوق خودرو و یا حتی صدای عطسه دیگری بترسد و دچار عارضه جسمی یا روحی گردد.

در فقه قاعده «الخائف علی نفسه» (ضمان بعهد خود فرد ترسیده است) را می‌توان در این‌جا مورد استناد قرار داد. فقها این قاعده را در قالب مثال واحدی به تصویر کشیده‌اند. مثال ایشان در مورد کسی است که در یک کشتی گرفتار توفان، برای جلوگیری از غرق شدن، جهت سبک کردن کشتی، اقدام به ریختن اموال خود به دریا می‌کند [۳، ج ۵، ص ۵۳۴؛ ۱۱، ص ۱۴۹]. در حقوق ایران نیز این شکل از ترسیدن، تحت عنوان «مجرد خوف»^۱ و همچنین در حقوق کامن‌لا، ذیل عنوان «صرف ترس»^۲ برای فاعل ترس‌آفرین ضمانی را به دنبال نخواهد داشت.

۳-۱-۲- ترسیدن به سبب تقصیر دیگری: چنانچه ترس زیانبار، ناشی از تقصیر دیگری باشد، آنگاه در صورت اثبات رابطه سببیت، ضمان بر عهده فاعل عمل ترس‌آفرین خواهد بود. در این‌جا، تفاوتی ندارد که فعل اونوعاً ترس‌آفرین باشد و یا فعل عادی و متعارفی باشد که در اوضاع و احوال خاص حاکم بر آن، نوعاً ترس‌آفرین یا زیانبار می‌گردد. در این‌گونه موارد، با ملاحظه زمان و مکان و خصوصیات عمل

۱. با وحدت ملاک از ماده ۲۰۸ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «مجرد خوف از کسی بدون آن‌که از طرف آن کس تهدیدی شده باشد، اکراه محسوب نمی‌شود».

۲. mere fear



ترس آفرین، چنانچه رابطه سببیت بین زیان و فعل ترس آفرین احراز گردد، ترساننده مسئول جبران خسارات است.

۳-۲. مسئولیت مدنی ناشی از ناشی از ترساندن

در این حالت آنچه در تحقق ضمان موضوعیت دارد، قصد فعل - نه قصد نتیجه - یعنی تحقق ترس در شخص یا اشخاص معین است؛ بنابراین، قصد فاعل (شوخی یا تأدیب) و نوع فعل ترسناک، هیچیک در تشخیص ضمان لحاظ نخواهد شد. در نتیجه، ترساندن دیگری با هر روش و با هر قصد وانگیزه صورت گیرد، چنانچه سبب ایجاد ترس ناگهانی منجر به زیان گردد، موجب ضمان ترساننده خواهد بود.

۳-۲-۱. ورود زیان به سبب ترس مستقیم و بلاواسطه از عمل ترس آفرین

در این حالت، عامل ورود زیان همان فاعل عمل ترس آفرین است و عمل او مستقیماً و مستقلاً منجر به زیان می‌گردد. طبق قواعد عام مسئولیت مدنی، در صورتی که زیان مستند به عمل ترسناک باشد (رابطه سببیت بین زیان و عمل ترس آفرین احراز گردد) فاعل ترس، مسئول جبران خسارات وارد خواهد بود؛ مثل کسی که در ارتفاع ایستاده و در اثر فریاد عمدی دیگری تعادل خود را از دست می‌دهد و سقوط می‌کند.

در فقه، تأسیس ضمان اخافه که جبران زیان ناشی از ترساندن را پذیرفته، مورد اجماع است؛ لکن ضمان مخیف (ترساننده) در تمامی صور وقوع زیان، با اختلاف نظر و تشتت آرای فقها همراه گردیده است. به طور کلی در تمام شقوق مسئله، سه نظر ارائه شده که حسب آن، گروهی ضمان مطلق، گروهی عدم ضمان مطلق و گروهی نیز تفصیل در ضمان مخیف را پذیرفته‌اند.

بررسی نظرهای فقهی در باب ضمان اخافه ابتدا تداعی‌گر این است که قاعده کلی در فقه «عدم ضمان مخیف» است؛ چرا که عبارت «من صاح بیبالغ غیر غافل فمات أو سقط فمات فلا دیه» به معنای این‌که «اگر کسی بر انسان بالغ آگاه (غیرغافل) فریاد بزند و آن فرد در اثر این فریاد بمیرد و یا این‌که از ترس بیفتد و سپس بمیرد،

فریادزننده ضامن نیست» عینا یا با اندک تفاوتی در آثار تمام فقهای که به این موضوع پرداخته‌اند، مشاهده می‌گردد [۲۳]، ص ۲۳۲؛ ۲۵، ص ۶۵۱؛ ۲۶، ص ۳۱۹؛ ۲۷، ج ۴، ص ۶۶۸].

دلیل این‌که فقها فریادزننده را از آغاز ضامن نمی‌شناخته‌اند این بوده که ایشان، نوعا مرگ را قابل اسناد به فریاد نمی‌دانسته‌اند. از همین رو، در مسئله مذکور اصل را بر عدم استناد قرار داده‌اند [۱۱، ص ۵۷]. البته گفته شده که اگر علم به استناد مرگ به صیحه داشتیم، آنگاه صائح (فریادزننده) ضامن است [۲۳، ص ۲۳۳]؛ بنابراین، عدم ضمان فقط در فرضی است که مرگ، قابل انتساب به عمل ترس‌آفرین نباشد. چنانچه قرائنی وجود داشته باشد که مرگ را به عمل ترسناک منتسب سازد، آنگاه تردیدی در ضمان فاعل باقی نمی‌ماند.

البته کثرت استعمال عبارت فوق، با کثرت تخصیص نیز مواجه شده و از این رو، شائبه قاعده بودن عدم ضمان مخیف منتفی است. مروری بر اقوال فقها نشان می‌دهد که مصادیق ضمان مخیف، بسیار بیش‌تر از موارد عدم ضمان است. از همین رو، با نظردیگری مواجه می‌گردیم که با لحاظ وضعیت «مخاف»، قائل به تفصیل در ضمان مخیف شده است. به همین علت، در ادامه عبارت فقهی مذکور، عبارت «ولو كان بالغا مریضا أو مجنونا أو اغتفله وفاجأه بالصیحة» - و إن كان بالغا كاملا - فمات أو زال عقله ضمن الدیه» نیز عینا یا با اندکی تفاوت قابل مشاهده است [۲۵، ص ۶۵۲؛ ۳۰، ص ۲۴۹؛ ۲، ج ۲، ص ۵۶۲]. مفهوم عبارت این است که اگر زیاننده بالغ، عاقل یا غیرغافل (آگاه) باشد، آنگاه مخیف ضامن نیست. در نتیجه فقط در صورتی که زیاننده نابالغ، مریض، مجنون یا بالغ عاقل غافل (ناآگاه) باشد، مخیف ضامن است.

ملاحظه می‌گردد که ضمان مخیف در این‌جا، بالحاظ کردن وضعیت مخاف استقرار یافته و این در حالی است که توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات زیاننده، در استقرار ضمان زیان‌زننده، با عمومات مسؤولیت مدنی (ضمان قهری) سازگاری ندارد.



در نهایت نظر سوم که مقرون به صواب است، حکم به ضمان مطلق مخیف دارد. برخی از فقها با استناد به اطلاق صحیحه حلبی قائل به ضمان مخیف در تمام حالاتی هستند که زیان به سبب ترس ایجاد شده و رابطه سببیت بین زیان و ترس قابل احراز است [۱۵، ج ۱۵، ص ۲۳۲] [۴، ج ۳، ص ۳۳۰]؛ یعنی اگر کسی دیگری را بترساند و آن فرد از ترس مریض شود، مخیف ضامن است. فرقی ندارد که این ترساندن به خاطر تأدیب و یا هرکار دیگری باشد [۳۰، ص ۲۸۶]. به بیان دیگر، چنانچه استناد زیان با ملاحظه زمان و مکان، به صحیحه محرز باشد، آنگاه مخیف ضامن است و از این حیث، نباید تفاوتی بین بالغ و نابالغ، عاقل و مجنون و زن یا مرد قائل گشت [۲۸، ص ۴۸۹-۴۸۷].

باید پذیرفت که نظر قائلین به ضمان مطلق مخیف، با اصول کلی ضمان قهری سازگارتر است. توجه به ویژگی‌های زیان‌دیده یا ملاحظه اوضاع و احوال محیطی وقوع ضرر، خلاف قواعد عام ضمان قهری است؛ زیرا طبق قاعده اتلاف، چنانچه تلف مستند به فعل زیانبار باشد، ضمان هم بر فاعل آن مستقر می‌گردد.

در حقوق ایران نیز ضمان در گرو وجود رابطه سببیت بین زیان و فعل زیانبار است؛ بنابراین، اگر زیان وارد قابل اسناد به فعل ترسناک باشد، تردیدی در مسئولیت جبران خسارت توسط ترساننده وجود نخواهد داشت. این امر، توسط قانونگذار جزایی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قانون مجازات، ترساننده را فقط ضامن خساراتی می‌داند که مستند به رفتار او باشد؛ بنابراین، از نظر قانونگذار جزایی تحقق ضمان (دیه) بر مبنای رابطه سببیت و قابلیت استناد بنا نهاده شده، نه ویژگی‌های زیان‌دیده ترسیده یا اوضاع و احوال محیطی.^۱

۱. ماده ۵۰۰ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این‌که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است».

۳-۲-۲. ورود زیان پس از فرار ناشی از عمل ترس‌آفرین

۳-۲-۲-۱. زیان‌دیده مباشر تلف است: در این‌جا ترساننده سبب زیان را فراهم می‌کند و موجب می‌شود دیگری در وضعیتی قرار بگیرد که ورود زیان در آن وضعیت گریزناپذیر است. برخلاف حالت قبل، این حالت ناظر به تمام مواردی است که فاعل به هردلیلی (تأدیب یا شوخی) قصد ترساندن شخص معینی را دارد.

برخلاف حالت نخست که زیان منحصرًا مستند به ترس بود، در این‌جا سبب دیگری در بروز زیان دخالت پیدا می‌کند و آن هم اقدام و رفتار فرد ترسیده است که بین فعل ترس‌آفرین و زیان قرار می‌گیرد. همین امر سبب گردیده که گروهی از فقها ورود زیان پس از فرار ناگهانی ناشی از ترس را «اتلاف بالخوف» نمی‌دانند و از این رو، آن را از قلمرو ضمان اخافه خارج کرده، در مورد آن بحث نکرده‌اند. در مقابل، گروهی به‌درستی فرض مذکور را ادامه حالت نخست دانسته و آن را در قلمرو ضمان اخافه مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما همین گروه از فقها نیز به نظر واحدی دست نیافته‌اند.

در فقه، ضمان فردی که واکنش او به سبب ترس، منجر به وقوع زیان می‌شود، با سه نظر مواجه شده است. گروهی قائل به عدم ضمان مطلق مخیف هستند. مخرج مشترک اقوال ایشان این است که «اگر کسی شمشیر بکشد و دیگری را به سوی خود بخواند، و آن فرد از ترس فرار کرده، از ارتفاع یا کوه بیفتد یا داخل چاه سقوط کند و بمیرد، مخیف (طالب) ضامن دیه نیست؛ زیرا او زیان‌دیده (مخاف) را وادار به فرار کرده است، نه وادار به سقوط؛ بنابراین، وی با اختیار، خودش را به هلاکت رسانده است. در این‌جا مخیف، سبب و مخاف، مباشر است و در اجتماع بین مباشر و سبب، ضمان بر عهده سبب نخواهد بود» [۲۴، ج ۷، ص ۵۹]

قائلین به عدم ضمان مخیف که همگی متأثر از نظر شیخ طوسی هستند، با تکرار استدلال شیخ، مبنی بر این‌که «مخیف فقط مخاف را وادار به فرار کرده، نه وادار به سقوط»، معتقدند که زیان‌دیده ترسیده خود اقدام به هلاک خویش کرده و مباشر تلف محسوب می‌گردد [۲۳، ص ۲۴۰]. محوراصلی حکم عدم ضمان، در تأکید ایشان بر



«مباشرت» زیان‌دیده ترسیده است [۱۶، ج ۱۰، ص ۲۸۰]. البته برخی نیز مختار بودن مخاف را دلیل عدم ضمان مخیف دانسته، معتقدند «انسانی که فرار می‌کند اگر مختار باشد خودکشی کرده و اگر مکره باشد، باز هم حق کشتن خویش را ندارد و در نتیجه ضمان دیه بر عهده کسی نیست» [۱۱، ص ۵۹].

این استدلال که عدم ضمان مخیف را در پی دارد، با قواعد عام اتلاف و تسبیب سازگار نیست. مگر نه این‌که که فرار به سبب اخافه صورت گرفته و اگر اخافه‌ای نبود فرار هم نبود. علاوه بر این، زیان (افتادن از ارتفاع یا سقوط به داخل چاه) به سبب فرار بوده و اگر فرار نبود، زیان هم نبود. در نتیجه، اگر اخافه نبود، زیان هم نبود [۱۵، ج ۱۵، ص ۳۳۱؛ مضافاً این‌که می‌دانیم اکراه و غرور از عوامل ضعف مباشر هستند و باعث سقوط ضمان از دوش مباشر می‌گردند. در این‌جا نیز اخافه به نوعی حکم اکراه را دارد؛ یعنی مخاف به اختیار خود اقدام به فرار نکرده، بلکه اراده او متأثر از فعل مخیف بوده است؛ بنابراین، اخافه هم می‌تواند موجب ضعف مباشر گردد و ضمان را ساقط کند.

نظردوم تفصیل در ضمان است که طی آن، گروهی با توجه به وضعیت مخاف از حیث «بینایی» قائل به تفصیل شده، فقط زمانی که مخاف نابینا باشد، مخیف را ضامن می‌دانند [۳۱، ص ۱۱۲]. برخی دیگر نیز «زوال یا عدم زوال عقل» مخاف را هنگام واکنش ناگهانی به ترس (مثل فرار) مبنای تفصیل در ضمان قرار داده‌اند. در نظر ایشان «اگر کسی دیگری را بترساند و او از ترس فرار کند و خودش را از بلندی پرتاب کند یا به داخل چاهی بیندازد و بمیرد، اگر عقل و اختیارش به واسطه ترساندن، از بین رفته باشد، آنگاه ترساننده ضامن است و در غیر این صورت، ضمانی بر عهده او نیست» [۲، ص ۵۶۲]. گروه سومی هم از حیث اوضاع و احوال محیطی، قائل به تفصیل شده و معتقدند: «وقتی کسی الزام به فرارش، اگر مندوحه داشته (می‌توانسته از راه دیگری فرار کند)، اما راهی را انتخاب کرده که منجر به مرگ شده، خودش مقصر است و کسی ضامن نیست» [۱۵، ج ۴، ص ۳۳۳].

در نهایت، گروه سوم حکم به ضمان مطلق مخیف داده و صرفنظر از تفصیل‌های فوق، در همه حالات مخیف را ضامن می‌داند [۴، ج ۳، ص ۳۳۰]. از نظر ایشان، مخاف

به سبب اخافه در وضعیت اضطرار قرار گرفته و بنابراین در حکم مضطر بوده و ضمان از وی ساقط می‌گردد [۳۰، ص ۲۳۷].

مشاهده می‌شود که مسئله مذکور در فقه با تشنت آرا مواجه گردیده، به گونه‌ای که به سختی می‌توان نظرهای مطروح را در کنار هم دسته‌بندی کرد. به نظر نگارنده عدم توافق نظر فقهای عظام در این باب می‌تواند دو دلیل داشته باشد. دلیل اول خطای ظریفی است که در ابتدای ضمان بر قواعد «مباشرت و تسبیب» رخ داده است؛ چرا که می‌دانیم ضمان مبتنی بر عنوان استناد است، یعنی باید مشخص گردد که اتلاف به چه کسی استناد دارد، خواه نامش سبب یا مباشر باشد [۳۴، ص ۲۶]؛ به عبارت دیگر ضابطه اصلی در شناسایی ضامن «تشخیص استناد زیان به فعل» خواهد بود. در تسبیب نیز معیار، انتساب و اسناد عمل زیانبار به زیان است و این گونه امور نیز عرفی است [۳۵، ص ۱۲۹]؛ یعنی باید دید در نظر عرف زیان به چه کسی منتسب می‌گردد.

دلیل دوم منشأ اختلاف نیز شاید تمسک به قولی است که می‌گوید: «اگر یک فاعل عاقل مختار بین تلف و سبب قرار گیرد که بتواند از تلف جلوگیری کند، آنگاه خود او ضامن است، نه سبب» [۳۳، ص ۲۷]. در پاسخ باید گفت که نمی‌توان هر عاقل مختاری را که به فعل خود نیز توجه داشته، مطلقاً ضامن شناخت. ابتدا باید دید چرا و چگونه وی در این حالت (بین زیان و فعل) قرار گرفته است. آیا به اختیار و انتخاب خودش بوده یا به سبب دیگری (مثل اکراه یا غرور) ناخواسته به مباشر تلف تبدیل گردیده است. در این گونه موارد، با ملاحظه اوضاع و احوال حاکم بر سبب و مباشر، «ضمان سبب، دایر مدار اقوا بودن سبب از مباشر است» [۲۸، ج ۵، ص ۴۷۸].

در استقرار ضمان بر دوش عاقل مختاری که اقدام زیانباری را مرتکب می‌شود تردیدی وجود ندارد، حتی اگر زیان را هم پیش‌بینی نمی‌کرده است؛ اما اگر همین عاقل مختار، مغرور یا مکره گردد، دیگر نمی‌توان ضمان را برعهده وی مستقر کرد. اگرچه وی مباشر است، لکن در حالت اکراه، اکراه‌کننده و در حالت غرور، غار



(فریب‌دهنده) که مسبب هستند، ضامن خسارتند [۳۳، ص ۲۴۰]. در این جا نیز خوف موجب ضعف مباشر می‌شود و در نتیجه خائف از حیث ضمان، در حکم مکره یا مغرور خواهد بود [۲] ج ۳، ص ۵۵۲.

۳-۲-۲. ثالث مباشر تلف است: در این حالت، مخیف سبب و ثالث مباشر زیان محسوب می‌شود. در این جا ورود زیان، حین واکنش زیان‌دیده ترسیده، از ناحیه ثالث رخ می‌دهد؛ یعنی کسی موجب ترس دیگری شده و او در واکنش بی‌اختیار (از قبیل فرار) به وسیله ثالث آسیب می‌بیند؛ مثل فرد وحشت‌زده‌ای که در حال فرار توسط یک خودرو زیر گرفته شود).

در فقه مثالی وجود دارد که در کلام فقهای که به بحث ضمان ترس پرداخته‌اند، دیده می‌شود و می‌تواند از مصادیق حالت فوق باشد. مثال فقها این است که مخاف در حین فرار ناشی از ترس، وارد جنگل شده، طعمه شیر گردد. حکم ضمان مخیف در این حالت نیز همانند صورت دوم است و در این جا نیز اتفاق نظری در اقوال فقها مشاهده نمی‌شود. در این فرض، «مخیف» به عنوان سبب و «حیوان درنده» به عنوان مباشر در نظر گرفته شده و با رویکرد تسبیب و مباشرت در ورود زیان، اصل عدم ضمان مخیف با استناد به استدلال شیخ طوسی در این جا هم جاری شده است.

از همین رو، گروهی با استدلال به اقوا بودن مباشر (شیر) نسبت به سبب (مخیف) قائل به عدم ضمان مطلق برای مخیف هستند [۲۲، ص ۴۸۷؛ ۲۳، ص ۲۳۳]. گروهی نیز عدم ضمان را مقید دانسته، قائل به تفصیل در ضمان مخیف در شرایط متفاوت شده، مخیف را به عنوان سبب، فقط در موارد خاصی (مثلاً در صورت زوال عقل یا نابینا بودن مخاف) اقوا از مباشر (شیر) و در نتیجه ضامن می‌دانند [۳۰، ج ۱، ص ۲۵۰].

۱. المباشرة يسقط أثرها مع الغرور.

۲. ولو كان متلف المال مكرها فالضمان على المكره لضعف المباشرة بالإكراه.

سرانجام گروه سومی نیز وجود دارد که در همه حالات، سبب را اقوا از مباشر دانسته، حکم به ضمان مطلق برای مخیف می‌دهد [۲۹، ص ۲۵۰]. از نظرایشان: «من حیث إنه لولا الإخافه، لم يحصل الهرب المقتضى للتلف»؛ یعنی اگر اخافه نبود فراری که منجر به تلف شود اتفاق نمی‌افتاد [۱۵، ج ۴، ص ۳۳۳].

در این‌جا نیز فقهای عظام دچار همان اشتباه ظریفِ ابتدای ضمان بر تسبیب و مباشرت در شقوق مختلف شده‌اند. علاوه براین، در مثال فقها حیوان درنده (شیر) به‌عنوان مباشر زیان معرفی گردیده است؛ درحالی که حیوان درنده در واقع به منزله یک حادثه اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود که می‌تواند به‌عنوان اسباب خارجی ورود زیان مورد تحلیل قرارگیرد (مثلاً در حکم قوه قاهره باشد). نیز می‌توانیم بگوییم حیوان درنده در جنگل می‌تواند در شکل دیگری مثل خودروی در حال حرکت در اتوبان ظاهر شود و به‌عنوان دخالت ثالث تحلیل گردد. به هر حال مشخص نیست که فقها، مثال حیوان درنده را از نظر یک حادثه اجتناب‌ناپذیر و قوه قهریه بیان کرده‌اند یا صورت دیگری از زیان (مثلاً دخالت ثالث) را مد نظر داشته‌اند.

به زعم نگارنده، آنچه فقها قصد بیان آن را داشته‌اند، حالتی است که در آن ورود زیان از ناحیه یک سبب ثالث خارجی، به صورت اجتناب‌ناپذیر رخ می‌دهد. این عامل ثالث، می‌تواند از مصادیق «قوه قهریه» یا «دخالت ثالث» باشد.

در حقوق ایران، برای تحلیل ضمان باید به قواعد عام مسؤولیت مدنی مراجعه کنیم. با توجه به خاص بودن سبب ضمان (ترس)، از حیث نسبی بودن تحقق (کیفی و کمی) آن در افراد مختلف، بهتر این است به جای توجه به وضعیت شخصیتی (جسمی یا روحی) زیاننده، ویا توجه به اوضاع و احوال محیطی، بر رابطه سببیت بین زیان و فعل زیانبار تمرکز گردد. باید دید زیان به چه کسی منتسب است، نه این‌که زیاننده چه وضعیتی داشته است؛ چرا که تشخیص زوال یا عدم زوال عقل خائف، دشوار و در برخی موارد که به مرگ بینجامد محال است.

درحقوق کامن‌لا، چنین تفکیک و تفصیلی مشاهده نمی‌گردد، لکن قواعد حاصل از سابقه قضایی، چارچوب قانونی مسؤولیت ناشی از ترس را تبیین می‌کنند. به طور خلاصه، برای این‌که زیاننده مستحق دریافت خسارت گردد، لزوماً باید «رابطه



سببیت» بین زیان و ترس و نیز نقض «تکلیف به مراقبت» توسط خواننده را اثبات کند.^۱

به نظر می‌رسد در تمام مواردی که فرد در اثر ترس شدید واکنشی مثل فرار از خود نشان می‌دهد، در آن زمان فاقد اختیار است؛ یعنی اختیار ناظر به حالت رضایت است و مختار به کسی اطلاق می‌گردد که نسبت به افعال و اعمال خود قدرت کنترل و تعقل دارد. در غیر این صورت، یعنی در حالتی که فرد به هر دلیل در وضعیتی است که مقهور فعل خویش است، نمی‌توان وی را مختار دانست [۳۵، ص ۱۵۰]. وضعیت مخاف هم چندان تفاوتی با وضعیت مضطر، مکره و مغرور ندارد و باید او را فاقد اختیار و معاف از ضمان دانست.

۴. نتیجه

«ترس» که در ادبیات فقه و حقوق، با واژه خوف شناخته می‌شود، در عرصه‌های مختلف فقهی و حقوقی، منشأ آثار و تغییر در احکام وضعی و تکلیفی است تا جایی که در برخی شرایط موجب سقوط حکم اولی نیز می‌گردد. ترس (خوف) در قلمرو مسئولیت مدنی (ضمان قهری)، می‌تواند در نقش فعل زیانبار، موجب تحقق زیان و ضمان گردد.

در فقه، مسئولیت مدنی ناشی از ترس ذیل عنوان «ضمان اخافه» مورد بررسی و پذیرش قرار گرفته است. از نظر فقها چون تحقق تلف و انتساب آن به اخافه امکان‌پذیر بوده است، بنابراین، اخافه یکی از موجبات ضمان در فقه محسوب می‌گردد. حقوق ایران نیز با الهام از فقه امامیه، ترساندن منجر به مرگ یا آسیب جسمانی را

۱. منظور از تکلیف به مراقبت (duty of care) تکلیفی است که قانون، در برخی وضعیت‌های تعهدآور، بین خواهان و خواننده به رسمیت شناخته و خواننده را به رعایت آن در قبال تمام افراد بالقوه‌ای که در آن وضعیت قرار می‌گیرند، مکلف کرده است.

از موجبات دیه به شمار آورده است. مواد ۴۹۹، ۵۰۰ و ۵۰۱ قانون مجازات (مصوب ۱۳۹۲)، احکام مربوط را پیش‌بینی کرده‌اند.

در نظام حقوق عرفی، مسؤولیت ناشی از ترس، ذیل عناوین «مسؤولیت بدون برخورد» یا «صدمات جسمی بدون تماس» و در حوزه حقوق شبه‌جرم‌ها، مورد پذیرش قرار گرفته است. ترساندن عمدی، یکی از انواع شبه‌جرم‌های «تعدی به شخص» محسوب می‌گردد که چنانچه منتج به زیان گردد، می‌تواند مبنای دعوای مطالبه خسارت قرار گیرد.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که در هر سه نظام حقوقی مورد مطالعه، اولاً تحقق زیان و ضمان از طریق اعمال غیرمادی (از قبیل ترس، هیپنوتیزم، سحر یا جادو) مورد پذیرش است و ثانیاً جبران خسارت توسط ترساننده (مخیف) مستلزم استناد عرفی زیان، تسبیباً یا مباشرتاً، به عمل ترس‌آفرین است.

۵. منابع

- [۱] جمعی از پژوهشگران زیر نظرشاهرودی، محمود هاشمی، موسوعه الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)، ج ۷، چ ۱، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۳ هـ.ق.
- [۲] خمینی، روح... موسوی، تحریر الوسیله، چ ۱، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی‌تا.
- [۳] حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه، چ ۱، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- [۴] حکیم، محمد سعید طباطبایی، منهاج الصالحین، ج ۳، چ ۱، دار الصفوة، بیروت، اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- [۵] الشیخ الحرالعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، الباب ۱۵ من أبواب موجبات الضمان، الحدیث ۲، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹.
- [6] Hanford P, Mullany N., Mitchell P., *Tort Liability for Psychiatric Damage*, 2th ed, Australia, Law book Co, 2006.

- [7] Garner B., *Black's Law Dictionary*, 2th ed, U.K, West Group (Law), 2000.
- [8] Marcus P., Kahann D., «Assault and battery», *Encyclopedia of Crime and Justice*, available at: www.enccolopedia.com.
- [9] Catherine E., Frances Q., *Criminal Law*, 6th Edition U.K, Longman, 2006.
- [10] Bruce A., feldthusen B., *Canadian Tort Law*, 9th ed, Canada, exisNexis, 2011.
- [۱۱] نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ ق.
- [۱۲] مراغی، میر عبد الفتاح بن علی حسینی، *العناوین الفقھیة*، ج ۱، ق ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
- [13] Criminal Law Consolidation Act, 2014.
- [14] Canadian Criminal Code, 2014.
- [۱۵] عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، ج ۱، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ هـ ق.
- [۱۶] عاملی، جواد بن محمد حسینی، *مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامة*، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ هـ ق.
- [17] MacNeice, Harold F., «*Psychic Injury and Tort Liability in New York*», *St. John's Law Review*: Vol. 24: Iss., 1949.
- [18] William H., «Recovery For Physical Injury Resulting From Fright Without Impact», *Maryland. Law Review*, 48, 1962.
- [19] Mitchell P., «Tort Liability for Miscarriage Caused by Fright», *the University of Chicago Law Review*, Vol.15, No.1, 1947.

[20] Charley js. Schrader jr., Torts liability for Consequential Injuries », *Louisiana Law Review*, 21, 1961.

[21] Cooke j., *Law of Tort*, 5th ed, U.K, Longman, an imprint of Pearson Education, 2001.

[22] John E., «Damages for Physical Injuries Resulting from Fright or Shock», *Virginia Law Review*, Vol.19, No. 3, 1933.

[۲۳] طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، المہذب، ج ۲، چ ۱، قم، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ هـ ق.

[۲۴] حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، چ ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ ق.

[۲۵] طوسی، محمد ابن حسن، المبسوط فی الفقه الامامیہ، محمد تقی کشفی، ج ۷، چ ۱، المکتبه المرتضویہ، ۱۳۸۷.

[۲۶] حلّی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحکام فی معرفہ الحلال و الحرام، ج ۳، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم، ۱۴۱۳ هـ ق.

[۲۷] خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملہ المنہاج، ج ۲، چ ۲، قم، دارہادی، ۱۴۱۳ هـ ق.

[۲۸] حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۴، چ ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ هـ ق.



- [۲۹] گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، جامع المسائلج ۵، ج ۲، دفتر معظم له، قم، ۱۴۲۶ هـ ق.
- [۳۰] اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، ج ۱۱، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ هـ ق.
- [۳۱] اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ص ۲۳۷، ج ۱۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ هـ ق.
- [۳۲] سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، ج ۳۰، ج ۴، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ هـ ق.
- [۳۳] حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۴، ج ۲، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ ق.
- [۳۴] فرحی، علی، تحقیق در قواعد فقهی اسلامی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- [۳۵] محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه ۱، بخش مدنی، چاپ ۷، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۸.
- [۳۶] جزائری، محمد جعفر مروج، هدی الطالب فی شرح المکاسب، ج ۴، ج ۱، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۶ هـ ق.